

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»  
سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان 1393، پیاپی 5  
صص 61-76

## جستاری در کلان متن قرآن کریم بر اساس بازتعریف بینامتنیت

پرویز البرزی\*، مسعود منصورى\*\*

### چکیده

از جمله رویکردهای برخی زبان‌شناسان متن و قرآن پژوهان در دهه‌های اخیر، تلاش برای دستیابی به یک چارچوب زبان‌شناختی مدون و مناسب برای تبیین ساختار قرآن کریم است. گستردگی و تداخل موضوعات در متن قرآن، ساختار روایی متفاوت، فراوانی خردمتن‌ها و پاره‌متن‌ها از یک سو، و روابط بسیار پیچیده درون‌متنی و بینامتنی از دیگر سو، جزو چالش‌های این رویکرد تازه است. جستار حاضر، با هدف رسیدن به پاسخی درخور این بحث، ضمن توصیف ویژگی‌های کلان متن و بررسی چگونگی انطباق آن با متن قرآن به بازتعریف بینامتنیت، که عبارت از «انسجام در کلان متن» است، می‌پردازد. هرچند شواهد گوناگون حاکی از وجود یک بینامتنیت حداکثری است، اما عبور از بافت‌های زمانی، مکانی و موقعیتی در جای‌جای متن و ساختار شکنی در سبک روایی و تداخل موضوعات، این دیدگاه را تقویت می‌کند که برای متن قرآن می‌بایست مدلی بومی ابداع شود، تا بتوان ساختار غیرخطی و انسجام شبکه‌ای این کلان متن را بهتر آشکار نمود.

### واژه‌های کلیدی:

بینامتنیت، کلان متن، خردمتن، پاره‌متن، گونه متنی، انسجام.

## مقدمه

لذا مطالعه ساختار متن قرآن به کمک دانش‌های سخن‌کاوی، کاربردشناسی، زبان‌شناسی متن و گونه‌شناسی متن همچنان ضروری می‌نماید. خوشبختانه در دو دهه اخیر افرادی مانند مستنصر میر (1986)، سعید حوی (1991)، عبدالرئوف (2000) و در ایران صالحی (1995) با رویکرد زبان‌شناسانه به پژوهش در زمینه ساختار متن قرآن پرداخته‌اند (قیطوری، 1385).

در بومی‌سازی پدیده بینامتنیت نیز، نامور مطلق (1390) و ساسانی (1388) پیشگام این عرصه محسوب می‌شوند. قائمی‌نیا (1389) هم درباره کاربرد بینامتنیت برای تفسیر متن قرآن به نوآوری‌هایی دست زده است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که «کلان متن» به عنوان یک گونه متنی تا به حال در ایران مورد مطالعه قرار نگرفته است.

از این روی، تلاش نگارنده‌ها معطوف به معرفی و انطباق آن با متن قرآن کریم است. رویکرد حاضر مبتنی بر این ادعاست: بینامتنیت که تا به حال در عرصه نشانه‌شناسی، ادبیات و زبان‌شناسی متن مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده است<sup>7</sup>، در بازتعریف کنونی عبارت است از: «انسجام در سطح کلان متن» (بلودورن<sup>8</sup>، 2005، ص 277).

پرسش‌هایی که نوشتار حاضر به دنبال پاسخ آن‌ها است، عبارتند از: اولاً کلان متن چیست؟ ثانیاً آیا ویژگی‌های متنی قرآن با تعریف موجود از کلان متن قابل انطباق است؟ و در نهایت، چه تعریفی از بینامتنیت درباره قرآن صدق می‌کند؟

7. برای آگاهی بیشتر از جریان‌های گوناگون و متکثر بینامتنیت (ر.ک: نامور مطلق، 1390).

8. Blühorn

انسجام یا وحدت متنی، همواره از مسائل چالش‌برانگیز در حوزه دانش‌های مرتبط با قرآن بوده است. برخی از دانشمندان و قرآن‌پژوهان غربی همچون آدامز<sup>1</sup> (1987)، وات<sup>2</sup> (1970) و آربری<sup>3</sup> (1955) قرآن را متنی فاقد ساختار منطقی، گسسته و بدون پیوستگی کلام یافته‌اند (ر.ک: قیطوری، 1385). برخی دیگر، مانند گلدزیهر<sup>4</sup> (1921) و گوستاولبون<sup>5</sup> (1968) ضمن تاکید بر عدم انسجام، علت آن را درس‌ناخواندگی پیامبر و یا تاخیر در کتابت و گردآوری متن قرآن می‌دانند (ر.ک: حسینی، 1387).

به راستی قرآن برای ما به عنوان یک خواننده مسلمان چگونه متنی است؟ منسجم است یا گسسته!؟

مبحث انسجام متنی قرآن در چند دهه اخیر توسط قرآن‌پژوهان و زبان‌شناسان بسیاری، به طور گسترده و با رویکردهای متفاوت دنبال شده است. از بررسی تناسب آیات و پیوستگی چهره قرآن گرفته تا وحدت موضوعی سوره‌ها<sup>6</sup>.

البته به دلیل «نبود یک چارچوب زبان شناختی مشخص در مورد ساختار متن» (قیطوری، 1385) برخی یافته‌ها هنوز نتوانسته شباهت موجود در این زمینه را به طور کامل برطرف کند.

1. Adamz
2. Watt
3. Arbery
4. Goldzieher
5. Gustavelobon

6. برای آگاهی بیشتر (ر.ک: بازگان، 1372؛ فقهی‌زاده، 1374؛ همای، 1375؛ ایازی، 1380؛ خامه‌گر، 1382).

## 1. متن و کلان متن

از بدو شکل‌گیری دانش زبان‌شناسی متن بیش از چند دهه می‌گذرد، اما تا امروز در تعریف و مرزبندی دقیق متن از نظر زبان‌شناسی اجماعی حاصل نگردیده است. بوگراند و درس‌لر (1981) متن را یک «رویداد ارتباطی» تعریف کرده‌اند. به نظر ایشان متن‌ها به منظور ایجاد ارتباط تولید می‌شوند. به بیان دیگر، متن غیرارتباطی را اساساً متن نمی‌دانند (البرزی، 1386، ص 152).

در حوزه نشانه‌شناسی، متن معنایی گسترده‌تر دارد و به هرگونه ترکیب نشانه‌ها متن گفته می‌شود. از این رو به فیلم، آگهی تبلیغاتی، داستان و تابلو نیز متن می‌گویند. در یکی از وسیع‌ترین کاربردها، متن به کل جهان اطلاق می‌شود، زیرا موجودات جهان با هم روابط پیچیده دارند و از این جهت یک متن را تشکیل می‌دهند (قائمی‌نیا، 1389، صص 139-138).

امروزه به دلیل گسترش و پیچیدگی رسانه‌ها و نیز کاربرد روز افزون رایانه، گرایش زبان‌شناسی متن از خردمتن یا متون عادی به کلان متن گسترش یافته است. برخی زبان‌شناسان متن نیز بر این تغییر رویکرد صحنه گذاشته‌اند (آنتوس و تیتز<sup>1</sup>، 1997، ص 228).

لذا از یک نظر می‌توان متن‌ها را به دو دسته تقسیم نمود: خردمتن<sup>2</sup> یا متون عادی و کلان متن<sup>3</sup>- متن<sup>3</sup>ها. از نظر بلودورن (2005، ص 279)، خردمتن عبارت است از «متنی که توسط یک نویسنده، در زمانی مشخص، با کارکرد ارتباطی<sup>4</sup> معین، درباره

موضوعی خاص، در قالب گونه‌متنی<sup>5</sup> خاص و با استفاده از مولفه‌های زبانی مانند: واژه‌ها و جملات شکل گرفته باشد». وی در مقابل برای کلان متن ویژگی‌های زیر را برمی‌شمارد.

## کلان‌متن‌ها:

1- الزاماً دارای مرزبندی روشنی از نظر موضوع نیستند.

2- از خردمتن‌های متعدد و به هم مرتبط تشکیل شده‌اند.

3- ممکن است توسط تولیدکننده‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت تولید شده باشند.

4- احتمالاً کارکردهای ارتباطی گوناگون دارند.

5- در قالب یک گونه‌متنی خاص نمی‌گنجند (ر.ک: بلودورن، 2005، تمام اثر).

در ادامه برای روشن شدن اصطلاح کلان متن به دو نمونه اشاره می‌شود:

## الف) مثال اول

یک نمونه نسبتاً بارز از کلان متن، گفتگوی دسته جمعی استادان دانشگاه هنگام صرف ناهار در سالن غذاخوری است. اگر چنین گفتگوهایی را به صورت متن پیاده کنیم، ملاحظه می‌شود که متن‌بودگی (متنیت)<sup>6</sup> آن‌ها به سادگی قابل درک نیست.

این گفتگوها گاهی به طور غیر قابل پیش‌بینی آغاز می‌شوند و پایان می‌یابند، هیچ روند مشخصی ندارند، از موضوعی عبور کرده، به موضوع دیگر وارد می‌شوند و بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی کل متن، گاهی ارتباط مشخصی با هم ندارند. اگر یک بخش از این کلان متن را برش دهیم، خواهیم دید که هم از نظر

1. Antos &amp; Tietz

2. Mikrotext

3. Makrotext

4. Textfunktion

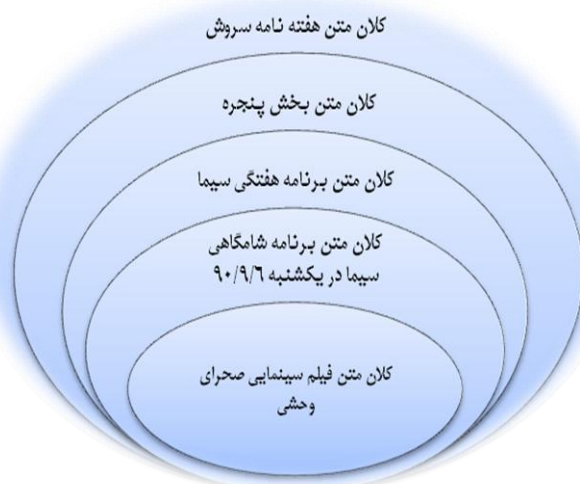
5. Textsorte

6. Textualität

برای مثال اگر خرد متن دوم (فیلم صحرای وحشی) را در نظر بگیریم، در یک قسمت «گونه متنی» معرفی شده (یعنی فیلم سینمایی)، سپس خلاصه‌ای از داستان فیلم ملاحظه می‌گردد. در بخش دیگر، تصویر صحنه‌ای از فیلم دیده می‌شود که کارکرد ارتباطی آن برانگیختن خواننده برای تماشای فیلم است.

حال فرض کنیم در قسمت دیگر، نام نویسنده و کارگردان و نوع ادبی داستان فیلم (حماسی، درام، طنز و...) با زمان و مکان تولید فیلم در کنار شبکه پخش‌کننده و زمان پخش بیاید، آن‌گاه خواهیم دید که عنوان «فیلم سینمایی صحرای وحشی»، چندین خردمتن را به هم پیوند و بافتی مرکب شکل داده، و خود در قامت یک کلان متن ظاهر شده است.

در واقع متن یاد شده، به همراه سایر متن‌ها مجموعه گسترده‌تری بنام کلان متن «برنامه شامگاهی سیما در یکشنبه 90/9/6» را شکل می‌دهد. با افزودن برنامه صبحگاهی سیما و سایر روزهای هفته، کلان متن پیچیده‌تری به نام برنامه هفتگی سیما خواهیم داشت و ادامه این روند به تشکیل کلان‌متن‌های بسیار پیچیده‌ی «پنجره» و «هفته‌نامه سروش شماره 1512» می‌انجامد. نمودار زیر روند تشکیل کلان‌متن‌های یاد شده را نشان می‌دهد:



روند، هم عبور از موضوعات و هم چگونگی پیوستگی، درست مانند کلان متن است.

به عبارت دیگر، متنی است در دل کلان متن. از آنجایی که هر یک از این بخش‌ها دارای ویژگی‌های خردمتن است، به ندرت می‌توان آن‌ها را در حد سکانس یک خردمتن تقلیل داد. لذا می‌توان آن‌ها را یک خردمتن تلقی کرد که دارای تولیدکننده، با موضوع مشخص و کارکرد ارتباطی خاص است و در نهایت از ترکیب خردمتن‌های یاد شده، کلان متن «گفتگوی دسته جمعی» شکل می‌گیرد.

### ب) مثال دوم

مثال دوم کلان متن از هفته‌نامه سروش، بخش «پنجره»، قسمت معرفی برنامه‌های سیما انتخاب شده است. در قسمت یاد شده، خردمتن‌های زیادی وجود دارد که متن‌های دیگر، از جمله فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی را به خواننده معرفی می‌کنند. این خردمتن‌ها ممکن است به انحاء مختلف به هم مرتبط باشند و گاهی نیز بدون ارتباط روشنی، در کنار یکدیگر قرار گیرند.

کلان متن مورد نظر شامل برنامه شامگاهی در یکشنبه 1390/9/6 می‌شود. در نگاه نخست، هفت خردمتن دیده می‌شود که هر یک به معرفی یک فیلم سینمایی، فیلم تلویزیونی، گزارش، برنامه مستند و مجموعه تلویزیونی اختصاص داده شده است.

عنوان «برنامه شامگاهی سیما در یکشنبه 90/9/6» این هفت خردمتن را در قالب یک متن به هم پیوند می‌دهد و کلان متن صفحه را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، هر خردمتن در کلان‌متن یاد شده، از بخش‌هایی تشکیل شده که هر یک را می‌توان به عنوان یک خردمتن جداگانه فرض نمود.

از نگاه وی قرآن کتابی مفصل است که صورت مکتوب آن در یک جلد و در مدت کمتر از نیم قرن شکل گرفته، در حالی که کتاب مقدس با گذشت پانزده قرن از 66 تا 73 کتاب تشکیل شده است. زبان قرآن عربی است، حال آنکه کتاب مقدس تاکنون به زبان‌های عبری، آرامی و یونانی به دست بشر رسیده است. با این مقدمه، باید اذعان کنیم که متن قرآن حاصل فرآیندهای ارتباطی پیچیده‌ای است:

- ارتباط زبانی خدا با پیامبر (ص) (وحی).

- ارتباط شفاهی پیامبر با مخاطبان عصر نزول.

- ارتباط زبانی مکتوب قرآن با مخاطبان دیگر اعصار (قائمی نیا، 1389، ص 37).

اگرچه قرآن متنی فرازمانی و گستره مخاطبان آن فراگیر است و از جهاتی یک متن عادی نیست، اما به یک معنا متنی به زبان بشر است، زیرا هم یک رویداد ارتباطی است و دارای معیارهای متنتی،<sup>۲</sup> و هم در تحلیل آن می‌توان از قواعد و روابط حاکم بر متون بشری استفاده کرد. با فرض درستی ادعای یاد شده، به پرسش دوم، چگونگی انطباق متن قرآن با ویژگی‌های کلان متن می‌پردازیم.

## 1-2. ساختار موضوعی قرآن کریم

برینکر<sup>۳</sup> (2010، 56) در تبیین ساختار و شیوه بررسی موضوع در متن به چهار روش اشاره می‌کند: توصیفی، توضیحی، روایی و استدلالی. در روش توصیفی، در متن‌هایی مانند مقاله و دانشنامه به توصیف یک حادثه تاریخی با خصوصیات یک شیء یا یک موجود زنده پرداخته می‌شود.

2. (ر.ک: البرزی، 1386، ص 151).

با توجه به ویژگی‌هایی که پیشتر برای کلان متن برشمردیم، اکنون با گونه‌ای دیگر از متن مواجهیم. این گونه متن‌ها، بدون قرارگرفتن در چارچوب گونه‌ای خاص و یا مرزبندی روشن در طرح موضوع، احتمالاً به وسیله تولیدکننده‌های مختلف، گاه در زمان‌های مختلف، با کارکردهای ارتباطی گوناگون و از ترکیب پیچیده‌ی خردمتن‌هایی تولید شده‌اند، که گاه به هم مرتبط و گاه نامرتبط به نظر می‌رسند.

## 2. قرآن؛ گونه‌ای خاص از کلان متن

بنا بر دلایلی، می‌توان قرآن و کتاب مقدس را در یک گونه متنی، یعنی متون وحیانی قرار داد. نخست آن‌که؛ هر دو فاقد مقدمه، فهرست، چینش منطقی موضوعی، خاتمه و نتیجه‌گیری هستند.

دوم آن‌که؛ این دو متن - صرف نظر از تفاوت ساختاری‌شان با هم - خود از گونه‌های متنی متعددی مانند: داستان، تمثیل، مخاطبه، نامه، تاریخ زندگی پیامبران، احکام و دستورالعمل‌های حقوقی و اخلاقی تشکیل شده‌اند.

در نهایت قرآن و کتاب مقدس به صورت وحی یا الهام توسط گوینده (خدا) بر دریافت‌کننده (پیامبر) نازل شده و سپس به متن نوشتاری تبدیل شده‌اند. البته در مورد اخیر، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از دین‌پژوهان بر این باورند، که خداوند مطالب کتاب مقدس را به نویسندگان مختلف الهام کرده و سپس در طی 1500 سال این کتاب توسط افرادی تدوین شده است.<sup>۱</sup>

نقوی (1388) نیز در مقایسه‌ای کلی به تفاوت‌های بارز متن قرآن و کتاب مقدس می‌پردازد.

1. برای آگاهی بیشتر (ر.ک: نصیری، 1386، تمام اثر).

## پاره‌متن (2)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا  
بَقَرَةً قَالُوا أَ تَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ  
الْجَاهِلِينَ (67)

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما فرمان می‌دهد که گاو را سر ببرید. گفتند: آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟ گفت: پناه می‌برم به خدا که از جاهلان باشم. (بقره: 67).

پاره‌متن اول که آیات آغازین سوره بقره است، به توصیف پرهیزگاران و بیان خصوصیات فکری، فردی و اجتماعی آنها پرداخته است. پاره‌متن دوم داستان گاو بنی‌اسرائیل را روایت می‌کند. در فواصل این دو پاره‌متن، چند موضوع دیگر می‌آید و آنگاه در قالب مخاطبه و تمثیل، قوم یهود به خواننده معرفی می‌گردد.

## پاره‌متن (3)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ  
اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (172) إِنَّمَا حَرَّمَ  
عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَّ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ  
اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَجِدْ  
غَيْرَ رَحِيمٍ (173)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را شکر کنید، اگر تنها او را می‌پرستید. خداوند تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را هنگام سر بریدن، نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده. ولی کسی که برای حفظ جان خود ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است (بقره: 172-173).

روش توضیحی در کتاب‌های آموزشی یا دفترچه‌های راهنما به کار می‌رود. در شیوه روایی مولف با استفاده از قالب داستان، رمان و غیره به روایت که به گفته قائمی‌نیا، رشته‌ای از حوادث دارای نظم است، می‌پردازد (قائمی‌نیا، 1389، ص 380).

در روش استدلالی تولید کننده متن برای اثبات یک مطلب و متقاعد کردن خواننده استدلال می‌کند.

بررسی موضوع در متن عموماً با یک یا دو روش بالا صورت می‌گیرد. برای نمونه، ممکن است نویسنده رمان در جریان روایت داستان، به توصیف یک رویداد تاریخی هم دست بزند. اما به نظر می‌رسد که در متن قرآن تفاوتی آشکار هست. با استفاده از چند پاره‌متن<sup>1</sup> از سوره بقره (خردمتن بقره) به چگونگی مساله خواهیم پرداخت.

## پاره‌متن (1)

ذَٰلِكَ الْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (2) الَّذِينَ  
يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
يُنْفِقُونَ (3) وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ  
مِن قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4) أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى  
مِّن رَّبِّهِمْ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5) إِنْ الَّذِينَ كَفَرُوا  
سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (6)

این است کتابی که در آن هیچ تردیدی نیست، مایه هدایت تقوا پیشگان است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز بر پا می‌دارند و از آن چه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. آنان که، بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند. آنهاست که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند (بقره: 2-6).

## 1. Teilttext

## پاره‌متن (4)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (180)

بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان به طور پسندیده وصیت کند. این کار حقی است بر پرهیزگاران (بقره: 180).

چنان‌که ملاحظه می‌شود در پاره‌متن (3)، که پس از چند موعظه و مخاطبه آمده، احکام مربوط به خوردنی‌های حرام و در پاره‌متن (4) احکام وصیت و در ادامه احکام قصاص، روزه، جهاد، حج، انفاق و مسائل خانواده هر یک توضیح داده شده است.

## پاره‌متن (5)

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (163)

و معبود شما، معبود یگانه‌ای است که جز او هیچ معبودی نیست و اوست بخشایشگر مهربان (بقره: 163).

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...

خداست که معبودی جز او نیست، زنده و بر پادارنده است... (بقره: 255).

پاره‌متن بالا یگانگی خدا را مطرح می‌کند. از آنجا که روش استدلالی در متن قرآن با متون دیگر تفاوت دارد، خواننده متن، استدلال بر یگانگی خدا را نه در پاره‌متن‌های مجاور، بلکه در سایر خردمتن‌ها کشف می‌کند. اکنون استدلال تولید کننده متن را در این باره ملاحظه کنیم:

## پاره‌متن (6)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَاءُ اللَّهِ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (22)

اگر در زمین و آسمان جز خدا، خدایانی دیگر وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباہ می‌شد. پس منزّه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند (انبیا: 22).

## پاره‌متن (7)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (91)

خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی دیگر نیست. و اگر جز این بود، قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده بود با خود می‌برد، و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می‌جستند. منزّه است خدا از آنچه وصف می‌کنند... (مومنون: 91).

همانطور که از پاره‌متن‌های (1) تا (7) بر می‌آید، در متن قرآن از هر چهار روش بررسی موضوع از نگاه برینکر استفاده شده است. نکته جالب توجه اینک، روش‌های یاد شده، چه در خردمتن‌ها (سوره‌ها) و چه در پاره‌متن‌ها (آیه‌ها) نه به صورت خطی و در امتداد یکدیگر، بلکه به صورت شبکه‌ای و در گستره کلان متن توزیع شده‌اند.

گلجانی با تاکید بر جنبه گفتمانی و مخاطبه‌ای قرآن بر این باور است که برانگیختن درون آدمی، متنی پویا و درگیرشونده با خواننده را می‌طلبد. از این رو متن توصیفی و روایی به تنهایی از عهده‌ی مواجهه و هم‌سخن شدن با انسان برنمی‌آید (گلجانی، 1381).

## 2-2. تعدد گونه‌های متنی و خردمتن‌ها

با نگاهی به آنچه در باره تعریف متن و مرزبندی آن گفتیم، زبان‌شناسان در مورد معیار دسته‌بندی گونه‌های متنی نیز به نظریه‌های مختلفی استناد می‌کنند. ایشان گاه چگونگی بررسی موضوع، و گاه کارکرد ارتباطی متن را ملاک اصلی برای رده‌بندی متون قرار می‌دهند. در این میان آرای نیز به چشم می‌خورد که بر اساس آن‌ها تکیه بر یک معیار اصلی برای طبقه‌بندی متون کافی نیست (ر.ک: البرزی، 1386، ص 45).

به نظر می‌رسد، به دلیل گسترش روزافزون ارتباطات انسانی، تنوع دانش‌هایی که به نحوی با انواع متن مرتبط‌اند و بیش از همه نوپا بودن دانش زبان‌شناسی متن این اختلاف نظرها امری طبیعی است. چنان که گفته شد، قرآن به عنوان گونه‌ای کلان متن در رده‌ی متون وحیانی مانند کتاب مقدس قرار می‌گیرد که در آن گونه‌های متنی زیادی دیده می‌شود. در این نوشتار فرض بر این است که کلان متن قرآن با وجود هدف یا کارکرد ارتباطی یکسان، نه تنها در سطح کلان متن، بلکه در خردمتن (سوره) نیز از گونه‌های متنی مختلفی برخوردار است.

داستان، مخاطبه، تمثیل، موعظه و تاریخ زندگی پیامبران، از جمله گونه‌های متنی هستند که هم در سطح کلان متن قرآن و هم در سطح بیشتر خردمتن‌ها (سوره‌ها) قابل‌بازایی است. با نگاهی به ترکیب گونه‌های متنی در خردمتن بقره به توضیح در این باره خواهیم پرداخت.<sup>1</sup>

1. با پوزش از خوانندگان عزیز، جهت رعایت اختصار در حجم مقاله، از آوردن پیکره کامل پاره‌متن‌ها خودداری شده است.

مَتْلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا... صُمُّ بَكْمُ عُمَىٰ فَهَمُّ  
لَا يَرْجِعُونَ... أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ... وَاللَّهُ  
مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ... وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ  
وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره: 17-20).

پاره‌متن برگرفته از آیات (17) تا (20) در قالب تمثیل، حالات روحی و فکری برخی از انسان‌ها را به نمایش می‌گذارد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ... فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ... وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا... فَإِنْ لَمْ  
تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ  
الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (بقره: 21-24).

پاره‌متن برگرفته از آیات (21) تا (24) مخاطبه‌ای است که گوینده (خداوند)، دریافت‌کننده (مردم) را مورد خطاب قرار می‌دهد.

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ  
خَلِيفَةً... وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى  
الْمَلَكَةِ... وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ... وَقُلْنَا يَا  
آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ... قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ  
لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ... فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ  
كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: 30-37)

در پاره‌متن برگرفته از آیات (30) تا (37) داستان آفرینش آدم، ابتدا در قالب گفتگو میان خدا و فرشتگان آغاز می‌شود و سپس با داستان آدم در بهشت و هبوط او به زمین ادامه می‌یابد.

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَكَلَّا تَكْفُرُونَ... يَا  
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ  
الصَّابِرِينَ (بقره: 152-153).



برینکر (2010، 98) برای متن پنج کارکرد ارتباطی اساسی قائل شده است: انگیزشی، پیام‌رسانی، احساسی، تعهدی و اعلامی.

گونه‌های مختلف متن به طور معمول دارای یک و گاه حداکثر دو کارکرد ارتباطی هستند. مثلاً یک آگهی تبلیغاتی ضمن نقش ارتباطی پیام‌رسانی، به ترغیب خواننده متن نیز می‌پردازد. قرآن هم مانند هر متن دیگری، کارکرد ارتباطی خاص خود را دارد.

این متن گاهی به طور کلی و گاه به صورت جزئی انذار و هدایت را هدف ارتباطی خود می‌خواند. در این بخش با ارائه چند نمونه از خردمتن بقره و با توجه به عوامل برون و درون متنی، به چگونگی کارکرد ارتباطی در کلان متن قرآن اشاره خواهد شد.

#### پاره‌متن (1)

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (2) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (3) وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4) أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5)

این است کتابی که در آن هیچ تردیدی نیست، و مایه هدایت تقوا پیشگان است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز برپایمی‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. و آنان که ... و آنان همان رستگارانند (بقره: 2-5).

#### پاره‌متن (2)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (21)

پاره‌متن برگرفته از آیات 152 و 153 مشتمل بر چند موعظه است. آنچه در گونه‌های متنی موجود در قرآن جلب نظر می‌کند، این که مرز میان گونه‌های متنی کاملاً مشخص نیست. لذا خواننده، بخشی از داستان آفرینش آدم را در خردمتن بقره و بخش دیگر را در خردمتن اعراف و ادامه آن را در سایر خردمتن‌ها بازیابی می‌کند. این گونه ساختار شکنی در سبک روایی و چینش مطالب، و از سوی دیگر تعدد گونه‌های متنی در سطح خرد متن و کلان متن حاکی از تمایز قرآن نسبت به سایر متن‌هاست.

### 2-3. کارکردهای ارتباطی گوناگون در قرآن کریم

کارکرد ارتباطی<sup>1</sup>، هدفمندی و یا وظیفه ارتباطی متن، از جمله اصطلاحاتی هستند که برینکر (2010)، بوگراند و درسلر<sup>2</sup> (1981) و قائمی‌نیا (1389) برای نشان دادن جنبه ارتباطی متن به کار می‌برند. اصطلاح کارکرد ارتباطی بر مبنای نظریه کنش گفتاری آستین<sup>3</sup> (1975) وضع شده و رابطه میان کنش‌گران را در سطح متن نشان می‌دهد. با این تفاوت که نظریه آستین به نقش یا کارکرد گفته (یا جمله) می‌پردازد.

کارکرد ارتباطی متن، بیانگر این واقعیت است که هر متنی در یک موقعیت ارتباطی مشخص، کنش گفتاری معینی انجام می‌دهد. بر اساس دیدگاه ارتباطی متن، می‌توان به کمک عوامل برون‌متنی مانند مخاطب، رابطه طرفین ارتباط، و دانش طرفین از جهان خارج به کارکرد ارتباطی متن پی‌برد. از سوی دیگر عناصر شکل‌دهنده متن (واژه‌ها و جمله‌ها) نیز در خدمت نقش یا کارکرد ارتباطی متن قرار می‌گیرند.

1. Textfunktion
2. Beaugrande & Dressler
3. Austin

پاره‌متن (2) همه انسان‌ها را به پرستش خدا فرا می‌خواند و سپس برای ترغیب مخاطب، فلسفه و نتیجه آن را یادآور می‌شود. پاره‌متن‌های (3)، (4) و (5) نیز به ترتیب دارای کارکرد ارتباطی تعهدی، احساسی و اعلامی هستند.

در بررسی کارکرد ارتباطی موجود در پاره‌متن‌های بالا، دو نکته مهم به نظر می‌رسد: اول آن‌که برخی پاره‌متن‌ها مانند پاره‌متن شماره (3) هم دارای کارکرد ارتباطی انگیزشی است و هم احساسی. دوم آنکه، کارکرد ارتباطی انگیزشی نسبت به دیگر کارکردها، جایگاهی محوری دارد. به بیان دیگر، کارکردهای ارتباطی احساسی، تعهدی، اعلامی و پیام‌رسانی در راستای تایید و تقویت کارکرد ارتباطی انگیزشی عمل می‌کنند. این گونه روابط حاکم بر کارکردهای ارتباطی در کلان متن قرآن این دیدگاه را تقویت می‌کند که پاره‌متن‌ها و حتی خرده‌متن‌ها، با وجود پراکندگی ظاهری از وحدت ارتباطی خاصی برخوردارند.

### 3. «بینامتنیت»<sup>1</sup> یا «انسجام در کلان متن»

بینامتنیت به عنوان یکی از معیارهای هفتگانه «متن‌بودگی» از نگاه بوگراند و درس‌لر (1981) «به عواملی باز می‌گردد که باعث می‌شود یک متن به دانسته‌های مرتبط با خود و یا متون پیشینی که خواننده با آنها مواجه شده است، وابسته شود» (ساسانی، 1384، ص 44).

برخی بر این باورند که «بینامتنیت، شاخه‌ای از دانش نشانه‌شناسی است که چگونگی شکل‌گیری معنا و فرآیند معناپردازی در متن را مورد مطالعه قرار می‌دهد.» (نامور مطلق، 1390، متن پشت جلد).

ای مردم! پروردگارتان را که شما، و کسانی که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید، باشد که به تقوا گرایید.. (بقره: 21).

### پاره‌متن (3)

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره: 186).

و هرگاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را، هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم، پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.

### پاره‌متن (4)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (218)

آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزنده و مهربان است (بقره: 218).

### پاره‌متن (5)

مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (106)

هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به فراموشی بسپاریم، بهتر از آن، یا مانندش را می‌آوریم. مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست (بقره: 106).

با کمی دقت در پیام و هدف پاره‌متن‌های بالا، پنج کارکرد ارتباطی مختلف را می‌توان مشخص کرد: پاره متن (1) به خواننده در باره انسان‌های پرهیزگار اطلاع‌رسانی می‌کند.

بلودرون ضمن تبیین گونه‌های پنجگانه «ورامتنیت»<sup>۵</sup> از ژرار ژنت<sup>۶</sup> به این نتیجه رسید که: انسجام در کلان متن، در قیاس با خردمتن، گسترده‌تر است و «آن چه به نام بینامتنیت رایج گردیده، چیزی جز انسجام در کلان متن نیست» (بلودرون، 2005، ص 296).

ساسانی نیز، در پژوهشی در باره روابط بینامتنی و خوانش متن بر این باور است که «بخش‌های پیشین و پسین یک تکه‌متن نیز اگرچه جزء متن بزرگتری هستند که آن تکه‌متن نیز جزء آن است، اما به نوعی بینامتن‌های آن به شمار می‌روند» (ساسانی، 1384، ص 83).

ایشان با اشاره به دیدگاه عبدالحلیم (1380) و نظریه تفسیری علامه طباطبایی، بر این نکته تاکید می‌کند که مناسبات درون‌متنی در مطالعات قرآنی در حوزه زبان‌شناسی جدید صبغه بینامتنی به‌خود می‌گیرند. اکنون با توجه به شکل‌گیری کلان متن قرآن از خردمتن‌ها و پاره‌متن‌های فراوان و ارتباط گسترده و گاه پیچیده آنها، نوشتار حاضر درصدد است که با تلفیق دو دیدگاه اخیر و با نمایش جنبه‌هایی از روابط بینامتنی، خوانش یاد شده از بینامتنیت را در بوتۀ کلان متن قرآن بیازماید.

پیش از ارائه مثال‌ها، به مدل نمایش روابط بینامتنی کرون<sup>۷</sup> اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت (کرون، 2002، ص 9):

البته در جریان‌ها و اندیشه‌های بینامتنیت چنان معرکه‌ای از آراء هست، که گاه رویکردهای مختلف در مقابل هم قرار می‌گیرند. از زمان میخائیل باختین<sup>۱</sup> (1938) و یولیا کریستوا<sup>۲</sup> (1967) چهره‌های شاخص این عرصه، تا کنون شاهد بینامتنیت‌های نظری و کاربردی، تولیدی و خوانشی، ضعیف و قوی، حتمی و احتمالی بوده‌ایم (ر.ک: نامور مطلق، 1390).

از این رو، با توجه به پویایی و پیچیدگی زبان و به تبع آن متن، جا دارد که بازتعریف بینامتنیت را امری طبیعی بدانیم.

در دهه‌های 70 و 80 قرن بیستم، محور اصلی زبان‌شناسی متن مطالعات انسجام متنی بود.<sup>۳</sup> در این مطالعات، عواملی مانند تکرار، جانشین‌سازی، عناصر ربطی، مقوله زمان، حذف، عناصر اشاره‌ای و ایزوتوپی خردمتن را به درون پیوند می‌دهند و از بیرون محدود می‌کنند (البرزی، 1386، 154).

اما از دهه 90 به این طرف، مطالعات بینامتنیت به‌طور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد. در این عرصه، تکیه بر نیروهایی است که خردمتن را به بیرون گرایش داده، به خردمتن‌های دیگر پیوند می‌دهد. کراوزه<sup>۴</sup> ضمن تبیین بینامتنیت از دیدگاه زبان‌شناسی متن، گونه‌های مختلفی از روابط بینامتنی را برمی‌شمارد، که یکی از آنان عبارت از رابطه متن و پاره‌متن است (کراوزه، 2000، ص 63).

1. Bakhtin
2. Kristeva

3. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

- Harweg, R. (1968).  
Halliday, M. & Hassan, R. (1976).  
Beaugrande & Dressler (1981).  
4. Krause

5. Transtextualität
6. Gerard Genette
7. Kron

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ  
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است.  
خداوند رحمتگر مهربان. مالک روز جزاست. تو را  
می‌پرستیم تنها و بس، بجز تو نجویم یاری ز کس. به  
راه راست ما را راهبر باش. راه آن‌هایی که  
برخوردارشان کرده‌ای، همانان که نه درخور خشم‌اند  
و نه گمگشتگان (فاتحه: 1-7).

در مثال (1)؛ پاره‌متن اول با تمامی خردمتن‌ها در  
کلان متن دارای رابطه بینامتنی و پاره‌متن دوم در خرد  
متن «یونس» و چند خردمتن دیگر تکرار شده.<sup>2</sup>  
پاره‌متن سوم را در چهار خردمتن می‌توان یافت.<sup>3</sup>  
پاره‌متن چهارم با ده خردمتن دارای رابطه بینامتنی  
است.<sup>4</sup> مضمون پاره‌متن پنجم که توحید ربوبی است،  
در گستره کلان متن و به اشکال گوناگون تکرار شده  
است.<sup>5</sup>

پاره‌متن ششم با اندکی تفاوت در سبک بیانی، با  
بیش از 35 خردمتن رابطه بینامتنی دارد.<sup>6</sup> پاره‌متن  
هفتم نیز با چندین خردمتن از روابط یاد شده  
برخوردار است.<sup>7</sup>

2. نک: (یونس: 10)، (صافات: 182)، (زمر: 75)، (غافر: 65).

3. نک: (بقره: 163)، (فصلت: 2)، (حشر: 22)، (نحل: 30).

4. نک: (حجر: 35)، (شعرا: 82)، (صافات: 20)، (ص: 78)

و...

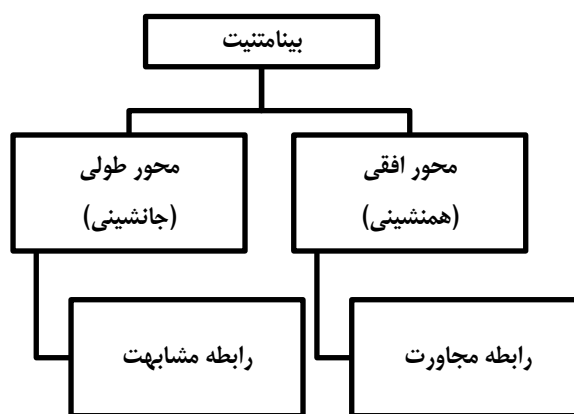
5. نک: (بقره: 133)، (آل عمران: 64)، (نساء: 36)، (مائده: 72)

و...

6. نک: (بقره: 142 و 213)، (آل عمران: 51 و 101)، (مائده: 16)

و...

7. نک: (نساء: 69)، (مریم: 58)، (احقاف: 15).



مدل نمایش روابط بینامتنی از الاف کرون

در محور طولی یا جانشینی، رابطه مشابهت میان  
خردمتن‌ها مطالعه می‌شود و مفهوم این رابطه،  
ویژگی‌هایی است که برای رده‌بندی خردمتن‌ها به  
گونه‌های متنی تعیین کننده‌اند.<sup>1</sup> محور افقی یا  
همنشینی که در واقع همان بینامتنیت ارجاعی است،  
به رابطه مجاورت میان خردمتن‌ها و همچنین  
پاره‌متن‌ها می‌پردازد.

نکته قابل توجه در گونه‌های متنی موجود در قرآن  
این است که مرز میان گونه‌های متنی، چه در سطح  
کلان متن و چه خردمتن، کاملاً مشخص نیست. از  
دیگر سو همان طور که دیدیم، گونه‌های متنی در  
خدمت هدف ارتباطی کلان متن قرار دارند و از خود  
استقلالی ندارند. اما رابطه همنشینی و مجاورت را  
می‌توان با نمونه‌های بسیار از کلان متن قرآن نشان داد:

### مثال (1)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3)  
مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4) إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5)

1. یعنی ویژگی‌هایی از متن که به عنوان مثال موجب تمایز  
داستان کوتاه از قصه یا حکایت و غیره می‌شود.

گستره‌ی انسجام در سطح کلان متن قرآن بهتر آشکار می‌شود.

### مثال (3)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (59) قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ ...

همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم. سران قومش گفتند... (اعراف: 59-64).

مثال (3) اشاره‌ای کوتاه به داستان نوح دارد. این داستان 23 بار در گستره کلان متن روایت شده است. داستان این پیامبر، ابتدا در خردمتن «نساء»، تنها با ذکر نام ایشان در کنار پیامبران دیگر آغاز و 21 بار دیگر در خردمتن‌های مختلف به ایجاز و تفصیل تکرار شده و سپس در خردمتن «نوح» جریان دعوت و رسالت وی روایت گردیده است.

لذا می‌توان مانند عبدالرئوف پذیرفت که تکرار یک داستان در خردمتن‌ها و پاره‌متن‌های یک ابرمتن<sup>2</sup> «متنیت یک متن را بالا می‌برد و روابط بینامتنی را بهبود می‌بخشد» (عبدالرئوف، 1390، ص 434).

### مثال (4)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ... (3)

2. دو اصطلاح «کلان‌گفتمان» و «ابرمتن» برای قرآن از حسین عبدالرئوف (1390) قرآن پژوه معاصر است.

به بیان دیگر، در نمونه یاد شده یک پاره‌متن از یک خردمتن با سایر خرد متن‌ها و برخی پاره‌متن‌ها با برخی دیگر در سطح کلان متن رابطه درون متنی دارند. این رابطه درون متنی با توجه به ویژگی‌هایی که از کلان متن برشمردیم، و نیز بر اساس رابطه همنشینی در مدل کرون (2002) خوانش تازه از بینامتنیت را به روشنی تقویت می‌کند.

### مثال (2)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1) مَلِكِ النَّاسِ (2) إِلَهِ النَّاسِ (3) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (5) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (6).  
به نام خداوند رحمتگر مهربان.

بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم. پادشاه مردم. معبود مردم. از شر وسوسه‌گر نهانی. آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند. چه از جنس جن و چه از انس (ناس: 1-6).

مثال (2) شامل خردمتن «ناس» است. این خردمتن و خردمتن «فاتحه» (در مثال 1) آغاز و پایان کلان متن را تشکیل می‌دهند. همانگونه که پیداست، این دو خردمتن بر ربوبیت و مالکیت خداوند بر انسان‌ها و روز جزا تاکید دارند.<sup>1</sup>

بدین ترتیب دو خردمتن مذکور در یک رابطه بینامتنی، ابتدا و انتهای کلان متن را به هم پیوند می‌دهند و بر مبنای تعریف بلودورن (2005)، انسجام در سطح کلان متن به خوانش تازه‌ای از بینامتنیت می‌انجامد. حال اگر ابتدای یک متن را مقدمه و انتهای آن را نتیجه‌گیری محسوب کنیم،

1. ر.ک. ایازی (1380)

قرآن به گونه‌ای است که خواننده باید تلاش کند با کنار هم نهادن گزاره‌های چندین خردمتن، به عنوان مثال استدلال بر توحید ربوبی را بازسازی کند (نک: ساختار موضوعی قرآن).

این ویژگی که تنها در قرآن دیده می‌شود، حاکی از پیچیدگی روابط درون و بینامتنی در آن است. با کمی دقت در گونه‌های متنی قرآن، مانند داستان، مخاطبه، موعظه، احکام و قوانین، دعا و تمثیل می‌توان دریافت که گونه‌های متنی در کلان‌متن، در کنار کارکردهای ارتباطی متعارف، دارای کارکرد واحدی هستند. این کارکرد ارتباطی مشترک که عبارت از ایجاد «انگیزه برای هدایت» است، دلیلی دیگر برای بینامتنیت در کلان‌متن است. بدین ترتیب گونه‌های متنی موجب هم‌افزایی در روابط بینامتنی می‌شوند.

با نگاهی دوباره به مدل روابط بینامتنی کرون (2002) باید اذعان داشت که کاربست محور طولی یا جانمایی در تحلیل کلان‌متن قرآن، امری بس پیچیده است. زیرا گونه‌های متنی در این گفتمان، نه به صورت خطی و مستقل، بلکه در راستای هدف یا نقش ارتباطی خردمتن‌ها و کلان‌متن معنا پیدا می‌کنند. اما همان‌طور که بررسی‌ها نشان داد، بینامتنیت در محور افقی (همنشینی)، میان خردمتن‌ها و پاره‌متن‌ها در گستره کلان‌متن به میزان قابل توجهی وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

تلاش برای ارائه یک چارچوب زبان‌شناختی مناسب برای توصیف ساختار متن قرآن از ابتدا با چالش‌هایی مانند گذر از نظم خطی و تداخل

ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، برای تو حکایت می‌کنیم... (یوسف: 3).

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ... (11)  
به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است (یوسف: 11).

دو پاره‌متن موجود در مثال (4) نشان می‌دهند که آغاز و پایان خردمتن «یوسف» رابطه بینامتنی دارند.  
مثال (5)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (38)  
و می‌گویند: اگر راست می‌گویند، این وعده [قیامت] کی خواهد بود؟ (انبیاء: 38).

در مثال (5) با پاره‌متنی مواجه می‌شویم که عیناً در چندین خردمتن تکرار شده و بدین ترتیب، یک مضمون واحد با خردمتن‌های گوناگون در کلان‌متن بینامتنیت دارد.<sup>1</sup>

### مثال (6)

وَلَقَدْ سَرَّوْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّذَكِّرٍ (17)  
و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم. پس آیا پندگیرنده‌ای هست (قمر: 17).

مثال (6) شامل پاره‌متنی است که در یک خردمتن واحد 4 بار بدون کوچکترین تغییری تکرار شده و میان چند گونه‌های متنی، یعنی داستان اقوام نوح، عاد، لوط و ثمود پیوند برقرار کرده است.

با نمونه‌های یاد شده به جنبه‌های مختلفی از انسجام در کلان‌متن اشاره گردید. در این‌جا برای تبیین بیشتر بینامتنیت با خوانش جدید در کلان‌متن نکاتی یادآور می‌شود: شیوه استدلال در کلان‌متن

1. نک. (یونس: 48)، (نمل: 71)، (سبأ: 29)، (یس: 48)، (ملک: 25).

دیگری نیاز است؛ مدلی که ساختار غیرخطی و پیوند شبکه‌ای این کلان متن را بهتر نشان دهد.

### منابع

- 1- قرآن کریم، (1376)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- 2- ایازی، محمد علی (1378)، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، چاپ اول، رشت: کتاب مبین.
- 3- ایازی، محمد علی (1380)، چهره پیوسته قرآن، چاپ اول، تهران: نشر هستی نما.
- 4- بازرگان، عبدالعلی (1372)، نظم قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات قلم.
- 5- البرزی ورکی، پرویز (1386)، مبانی زبان‌شناسی متن، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- 6- حسینی، سید علی اکبر (1387)، «دلایل ناکارآمدی نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره 56، زمستان 1387، ص 87-55.
- 7- خامه‌گر، محمد (1387)، «نگرش جامع‌گرایانه به سوره‌های قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره 56، زمستان 1387، ص 51-19.
- 8- ساسانی، فرهاد (1384)، «تاثیر روابط بینامتنی در خوانش متن»، دوفصلنامه زبان و زبان‌شناسی، شماره 2، پاییز و زمستان 1384، ص 55-40.
- 9- سعیدی روشن، محمدباقر (1388)، آشنایی با علوم قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه.

موضوعی همراه بوده است. از دیگر سو، مدل‌های رایج بر مبنای ساختار متن‌های عادی (خردمتن‌ها) پی‌ریزی شده است.

در سالهای اخیر برخی از متن پژوهان با دسته‌بندی متن‌ها به خردمتن و کلان متن به رهیافت تازه‌ای رسیدند. در این رویکرد، کلان متن - در قیاس با خردمتن - بدون یک مرزبندی روشن به موضوعات مختلف می‌پردازد؛ از ترکیب پیچیده چندین خردمتن و یا گونه متنی، گاه توسط تولیدکننده‌های گوناگون؛ در زمان‌های متفاوت و با کارکردهای ارتباطی متعدد تولید می‌شود.

لذا این فرضیه تقویت گردید که توصیف متن قرآن در بستر کلان متن راهگشاست. ویژگی‌های متنی قرآن، از جمله: تعدد گونه‌های متنی، شیوه‌های مختلف بررسی موضوع، طرح هر موضوع در راستای هدف یا کارکرد ارتباطی کلان متن، تولید خردمتن‌ها و پاره‌متن‌ها در بافت‌های متفاوت، گونه‌ای خاص از کلان متن را به نمایش می‌گذارد که در سایر متن‌ها - حتی کتاب مقدس - بسیار به‌ندرت دیده می‌شود.

در مورد کارایی بازتعریف بینامتنیت در نمایش ساختار متن قرآن باید اذعان داشت که اشکال پیچیده بینامتنی میان پاره‌متن‌ها و خردمتن‌ها، تکرار داستان‌ها در بافت‌های متعدد و کارکرد ارتباطی واحد در گونه‌های متنی مختلف، همگی نشان از بینامتنیت حداکثری در کلان متن قرآن دارد.

با این وجود به نظر می‌رسد، برای توصیف زبان‌شناختی برخی ویژگی‌ها مانند ساختار شکنی در روایت، گذر از بافت زمانی، مکانی و موقعیتی و همچنین صبغه بیناگفتمانی قرآن کریم به شاخص

- 10- عبدالرئوف، حسین (1390)، سبک‌شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)، ترجمه پرویز آزادی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- 11- فقهی‌زاده، عبدالهادی (1374)، پژوهشی در نظم قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- 12- قائمی‌نیا، علیرضا (1389)، بیولتری نص، نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 13- قیطوری، عامر (1385)، «قرآن و گذر از نظم خطی، یک بررسی زبان‌شناختی»، دوفصلنامه زبان و زبان‌شناسی، شماره 3، ص 17-31.
- 14- گلجانی امیرخی‌ز، ای‌رج (1381)، «چشم‌اندازی بر سبک بیانی قرآن»، قرآن در آینه پژوهش، قم: نشر هستی نما، ص 83-104.
- 15- معرفت، محمد هادی (1384)، تاریخ قرآن، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- 16- نامور مطلق، بهمن (1390)، درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها، چاپ اول، تهران: سخن.
- 17- نصیری، علی (1386)، «بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس»، فصلنامه قبسات، شماره 44، ص 59-86.
- 18- نقوی، حسین (1388)، «بررسی تطبیقی ویژگی‌های نوشتاری کتاب مقدس و قرآن کریم»، فصلنامه معرفت ادیان، شماره 1، زمستان 1388، ص 9-42.
- 19- همامی، عباس (1381)، «پژوهشی در تناسب آیات و سوره‌های قرآن»، قرآن در آینه پژوهش، قم: نشر هستی نما، ج 2، ص 81-96.
- 20- Antos, G., Tietz, H. (1997), *Die Zukunft der Text linguistik, Traditionen, Transformationen, Trends*, Niemeyer, Tübingen.
- 21- Austin, J. (1975), *How to do things with words*, Harward University Press.
- 22- Beaugrande, R. A. Dressler, W. (1981), *Einführung in die Textlinguistik*, Niemeyer, Tübingen.
- 23- Blühdorn, H. (2005), "Text verstehen und Intertextualität", in: *Text verstehen Grammatik und darüber hinaus*, Walter de Gruyter, Berlin: New York.
- 24- Brinker, K. (2010), *Linguistische Textanalyse. Eine Einführung in Grund begriffe und Methoden*, Überarb und erw Aufl, Schmidt: Berlin.
- 25- Genette, G. (1990), *Einführung in den Architext (deutsch von J. P. Dubost u. a.)*, Legueil, Stuttgart.
- 26- Halliday, M. A. K. Hassan, R. (1976), *Cohesion in English*, Longman, London.
- 27- Harweg, R. (1968), *Pronomina und Text konstitution*, Fink, München.
- 28- Krause, W. D. (2000), *Textsorten. Kommunikations linguistische und konfrontative Aspekte*, Peter Lang, Frankfurt, M.
- 29- Kristeva, J. (1969), *Semeiotike: Recherches pour une semanalyse*, Seuil, Paris.